

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گروه آموزشی ژيوار

درس: عربی

تهیه و تدوین:

رضا طورانی

موضوع:

اسلوب إستثناء و اسلوب حصر

قواعد درس ۳ عربی دوازدهم
مشترک بین همه ی رشته ها
ریاضی - تجربی - انسانی

اسلوب إستثناء و اسلوب حصر

هرگاه یک حکم کلی را بر یک مجموعه صادر کنیم سپس
زیر مجموعه‌ای از آن مجموعه، استخراج کنیم، أسلوب
استثناء ساخته‌ایم:

همه‌ی دانش‌آموزان آمدند جز علی = جاءَ كُلُّ التِّلَامِيذِ إِلَّا عَلِيًّا

همکلاسی‌ها در سالن امتحان حاضر شدند جز حامد =
حَضَرَ الزَّمَلَاءُ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا حَامِدًا

استثناء دارای ۳ رکن است: مستثنی منه = مجموعه‌ی کلی
ادات استثناء = حرف «إِلَّا»
مستثنی = زیر مجموعه

مثال: كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ
مستثنی منه ادات استثناء مستثنی

در سالهای گذشته اسلوب استثناء را به ۲ بخش تقسیم می کردیم: ۱- مستثنای تام ۲- مستثنای مُفَرَّغ

این تقسیم بندی را از آن جهت مطرح می کنیم که اگر کسی در تست های قدیمی با این اصطلاحات مواجه شد بداند که؛

مستثنای تام همان است که اکنون آن را اسلوب اِستثناء می نامند و مستثنای مُفَرَّغ آن است که در کتاب های جدید تحت عنوان اسلوب حصر از آن نام برده می شود.

اسلوب إستثناء (که در گذشته آن را مستثنای تام می گفتیم) عبارت است از؛

جمله ای که هر سه رُکنِ استثناء را دارد و اِعرابِ آن همیشه منصوب است:

جاءَ التَّلَامِيذُ إِلَّا وَاحِدًا مِنْهُمْ

حَلَّ الطُّلَّابُ مَسَائِلَ الرِّيَاضِيَّاتِ إِلَّا مَسْأَلَةً

اسلوب حصر (که در گذشته آن را مستثنای مُفَرَّغ
می گفتیم) عبارت است از؛

جمله ای که در ظاهر شبیه به اسلوب إستثناست
ولی دارای ۲ شرط می باشد:

- ۱- مربوط به جملات منفی یا سؤالی است.
- ۲- مستثنی منه ندارد.

* نشانه های منفی بودن یک جمله عبارتند از:

لا - ما - لَنْ - لَمْ - لَمَّا (در صورتی که بر سر فعل مضارع بیاید) - لَيْسَ - ...

* برای جمله های سؤالی هم بهتر است بگوییم که آن

جمله باید از نوع إستفهام إنکاری باشد. یعنی؛

۱- پاسخ پرسش، معلوم است و برای تأییدیه گرفتن پرسیده می شود

۲- اگر سؤال مثبت است پاسخش منفی است و اگر سؤال منفی است پاسخش مثبت

۳- معمولاً این گونه پرسش ها با «هَلْ» یا «أ» آغاز می

شود

توجه به نداشتن مستثنی منه نیز که یکی دیگر از
شروط اسلوب حصر می باشد، به همین راحتی
نیست بلکه بهترین و مطمئن ترین راه، این است که
باید دقت کنیم قبل از «إِلَّا» همه ی ارکان اصلی
جمله وجود داشته باشد و گرنه می گوییم؛ مستثنی
منه حذف شده است.

ارکان اصلی جمله عبارتند از:

*در جمله های فعلیة: فعل - فاعل - نائب فاعل
(اگر فعل مجهول بود) - مفعول (اگر فعل متعدی بود)

*در جمله های اسمیة: مبتدا - خبر
در جمله های اسمیة باید توجه داشت که گاهی
نواسخ (افعال ناقصة - حروف مشبهة بالفعل - حرف
لای نفی جنس) نیز بر سر آنها می آیند و به جای
مبتدا و خبر می گوئیم؛ اسم نواسخ و خبرشان

إعراب اسلوب حصر (مستثنای مفرغ) مطابق با نقشی
است که در جمله، قبل از «إِلَّا» وجود ندارد:

لَا يُقَالُ إِلَّا الْحَقُّ

قبل از «إِلَّا» نقشِ نایبِ فاعل وجود ندارد پس مرفوع
می باشد.

لَيْسَ الْقَصْدُ إِلَّا الدَّرْسُ

قبل از «إِلَّا» خبرِ لیس وجود ندارد پس منصوب است.

لَا يَقُولُ إِلَّا الْحَقَّ

قبل از «إِلَّا» نقشِ مفعول وجود ندارد پس منصوب می‌باشد.

لَمْ يَكُنْ عَلَىٰ إِلَّا تَلْمِيزًا

قبل از «إِلَّا» خبرِ كان وجود ندارد پس منصوب است.

مَا الْمَالُ وَالْأَهْلُونَ إِلَّا الْوَدَائِعُ

قبل از «إِلَّا» خبر وجود ندارد پس مرفوع است.

لَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا

قبل از «إِلَّا» نقشِ مفعولِ دوم وجود ندارد پس منصوب می‌باشد.

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ

قبل از «إِلَّا» نقشِ خبر وجود ندارد پس مرفوع می‌باشد.

نکته:

۱- در ترجمه ی جملات منفی ای که اسلوب حصر هستند می توان آنها را، هم به صورت منفی و هم به صورت مثبت (به همراه واژه ی «فقط» یا کلمه ای به این معنا) ترجمه کرد:

لَا يُقَالُ إِلَّا الْحَقُّ: فقط حق گفته می شود

لَيْسَ الْقَصْدُ إِلَّا الدَّرْسَ: هدف فقط درس است

لَا يَقُولُ إِلَّا الْحَقَّ: فقط حق را می گوید

لَمْ يَكُنْ عَلَىٰ إِلَّا تَلْمِيزًا: علی فقط یک دانش آموز بود

مَا الْمَالُ وَالْأَهْلُونَ إِلَّا الْوَدَائِعُ: ثروت و خانواده فقط امانتند

لَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا: فقط عذاب را به شما خواهیم افزود

نکته:

۲- گاهی اوقات پس از «إِلَّا» جار و مجرور و یا ظرف می آید.

(ظرف به اسمی گفته می شود که معنای زمان یا مکان وقوع فعلی را بدهد. مثل: أمّام - قبل - بعد - خلف - مساء - لیل - ...)

در این صورت بهترین و مطمئن ترین راه برای تشخیص اسلوب حصر این است که جمله را به صورت مثبت ترجمه کنیم و واژه ی «إِلَّا» را در ترجمه نیاوریم. اگر درست ترجمه شد اسلوب حصر است وگرنه اسلوب استثناست.

*كلاهما لا یكونُ إلاّ لطفل أو مریض : هر دوی آنها فقط برای یک کودک یا یک مریض می باشد (اسلوب حصر)

چند مثال برای نکته ی ۲:

* ما دَرَسَ الْعَقَادُ إِلَّا فِي الْمَرْحَلَةِ الْإِبْتِدَائِيَّةِ : عَقَادٌ فَقَطْ فِي مَرَحَلَةِ ابْتِدَائِيَّةٍ دَرَسَ خَوَانِدٌ (اسلوب حصر)

* مَا إِعْتَمَدَ الْعَقَادُ إِلَّا عَلَى نَفْسِهِ : عَقَادٌ فَقَطْ بِخُودِشْ تَكِيهَ كَرْدٌ (اسلوب حصر)

* لَا تُثْمَرُ عَادَةً إِلَّا بَعْدَ عَشْرِ سَنَوَاتٍ : مَعْمُولًا فَقَطْ بَعْدَ أَرْبَعِ عَشْرَ سَنَةً (اسلوب حصر)

* أَلَا تَنْبِضُ دَقَّاتُ قَلْبِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِتَلَامِيذِكَ : أَيَا ضَرْبَانَ قَلْبِ تُو بَرَايَ كَسِي جَزْ دَانِشْ أَمُوزَانَتْ مِي تَيْد؟ (اسلوب إستثناء)

نکته:

۳- اگر جمله‌ای که در آن ادات استثناء (إِلَّا) وجود دارد یک جمله‌ی مثبت بود (نه سؤالی و نه منفی)، به طور حتم و یقیناً آن جمله اسلوب استثناء می‌باشد نه اسلوب حصر.

۴- از آنجا که اسلوب استثناء همیشه منصوب است اگر کلمه‌ی پس از «إِلَّا» غیر از حالت منصوب بود، حتماً با اسلوب حصر مواجه هستیم.

نکته:

۵- اگر در جمله‌ای که «إِلَّا» وجود دارد از واژه‌هایی مثل؛ «كُلُّ» - بعض - جمیع - احد - واحد « استفاده شود، معمولاً آن جمله اسلوب استثناء می‌باشد.

۶- در بیشتر مواقع هرگاه افعال ناقصه در جمله‌ای که «إِلَّا» دارد به کار می‌رود، اسم یا خبر آنها بعد از «إِلَّا» می‌آید و در واقع ما با اسلوب حصر مواجه هستیم.

نکته:

۷- اگر قبل از «إِلَّا» فقط یک فعل مفرد داشته باشیم و هیچ کلمه ی دیگری نباشد، با اسلوب حصر مواجه هستیم:

لَا يُقَالُ إِلَّا الْحَقُّ
لَا يَقُولُ إِلَّا الْحَقَّ

*عَيْنِ الْمَسْتَثْنَى مِنْهُ لَيْسَ مَحْذُوفًا: (سراسرى رىاضى ٨٩)

- ١- هل كانت نتيجة أعمالك إلا ما رأيناهُ
- ٢- ما عرفتُ إخوانى إلا بعد حوادث الدهر
- ٣- أتبضُّ دقائق قلبك لأحدٍ إلا لتلاميذك
- ٤- لا تسقطُ ورقةٌ واحدةٌ من شجرةٍ إلا بإذنِ الله

*عَيْنُ أُسْلُوباً يَفْرُقُ نَوْعَهُ عَنِ الْبَاقِي: (سراسرى انسانى ٩١ با
كمى تغيير)

- ١- كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ
- ٢- لَا تَنْصَحُ الْمُقْصِرَ إِلَّا بِالتَّلَطُّفِ وَالتَّلِينِ
- ٣- مَا عَلَيْنَا إِلَّا تَطْبِيقُ الْأُمُورِ عَلَى الطَّرِيقَةِ الصَّحِيحَةِ
- ٤- لَا تَرْفَعُ صَوْتَكَ إِلَّا أَمَامَ الظَّالِمِ

*عَيْنِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ مَحذُوفًا: (سراسرى رىاضى ٩١)

- ١- ما أَنْفَقْتُ جَدَّتِي طُولَ حَيَاتِهَا إِلَّا مَا فِي يَدِهَا
- ٢- إِعْتَمَدَ النَّاسُ عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ فِي الدُّنْيَا إِلَّا الْخَائِفِينَ مِنْهَا
- ٣- وَهَبَ أَلْبَسْتَهُ فَقِيرًا مَرَّ بِدَارِهِ إِلَّا وَاحِدًا مِنْهَا
- ٤- مَا سَمِعْتُ خَيْرًا مِنَ التَّلْفَازِ إِلَّا الْأَخْبَارَ الْإِقْتِصَادِيَّةَ

*عَيْنَ مَا لَيْسَ مِنْ أَسْلُوبِ الْإِسْتِثْنَاءِ وَ الْحَصْرِ: (سراسرى تجرىبى
٩٥ با كمى تغىبر)

١- لا يقنص صيداً إلا المبادرون مع الفجر

٢- ما نال مناه إلا من ترك الحرص

٣- لا يغتنم قدر صفو الماء إلا الظمان

٤- ما أرجوه إلا يتبع هذا المنهج

*عَيْنِ كَلِمَةِ «مَنْ» لِيَسْتَ مَرْفُوعَةٌ: (سراسرى خارج از كشور ٩٧)

- ١- بدأ الدراسة مَنْ كانَ عمره أكثر من أربعين سنة
- ٢- لا يخافُ من الهزيمة مَنْ يَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ دَائِمًا
- ٣- لا يَنْجَحُ مَنْ بَيْنَكُمْ إِلَّا مَنْ يَصْدُقُونَ فِي أَقْوَالِهِمْ وَأَعْمَالِهِمْ
- ٤- لا أَحَبُّ مِنْ بَيْنِ الْمُوظَّفِينَ إِلَّا مَنْ يُحِبُّ الْعَمَلَ وَلا يَطْلُبُ الرَّاحَةَ

تست

*عَيْنُ الْمُسْتَثْنَى وَ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ اسْمَى مَكَانٍ: (سراسرى
اختصاصى انسانى ٩٩)

- ١- وجدتُ مصادر جميع الكُتُبِ فى المكتبةِ إلَّا مصدر هذا الكتاب
- ٢- بنى المهندسون عُرفاً متعدّدةً فى هذه المدرسةِ إلَّا مخزناً للكتب
- ٣- سافرَ السُّيَّاحُ إلى كُلِّ المناطقِ فى البلاد الأخرى إلَّا منطقة فى الشرق

- ٤- وصلنا إلى المطار متأخرينَ لِأَنَّ الشُّوارعَ كانت مزدحمةً إلَّا الشَّارعَ الأخيرَ

*عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ مَفْهُومُ الْحَصْرِ: (سراسرى رياضى ٩٩)

- ١- لَنَاخِذْ إِلَى مَوْقِفِ التَّصْلِيحِ إِلَّا السَّيَّارَةَ الْمُعْطَلَةَ
- ٢- لَا يَسْتَرُ النَّاسُ إِلَّا مَا يَخَافُونَ مِنْ عَوَاقِبِ جَهْرِهِ
- ٣- يَتَنَاوَلُ هَذَا الْمَرِيضُ أَنْوَاعَ الْفَوَاكِهِ إِلَّا التَّفَاحَ
- ٤- لَمْ تَكُنْ السَّلَامَةُ إِلَّا بِالذَّهْنِ السَّلِيمِ

*عَيْنِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ فِي مَحَلِّ «الْفَاعِلِ»:

١- لَا أَتَذَكَّرُ صُورَةَ أَحَدٍ مِنْ زَمَلَائِي إِلَّا أَحْمَدَ

٢- لَا تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ مِنْ عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَمَلًا كَانَ لِلَّهِ

٣- مَا زَارَ السُّيَّاحُ هَذِهِ الْمَدِينَةَ إِلَّا مَسَجَدَهَا الْخَشَبِيَّ

٤- لَا يَنْتَفِعُ مِنْ تِجَارِبِ الْعُلَمَاءِ الْمَاضِينَ أَحَدٌ إِلَّا مَنْ قَرَأَ كِتَابًا كَثِيرًا

*عَيْنُ العبارة التي ليس فيها الحصر و الإختصاص: (كانون
فرهنگی آموزش ۹۸)

- ۱- بعد قراءة الآيات الشريفة فهمت أنه ليس للإنسان إلا ما سعى
- ۲- أمس رجعت إلى المنزل مساءً و ماشاهدتُ إلا خالتي العجوز
- ۳- ماأنشد الشعراء الإيرانيون ملامعات إلا قليلاً منهم
- ۴- لا يئأس من روح الله إلا القوم الكافرون

تست

*عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَعْيِينِ أُسْلُوبِ الْجُمْلَةِ: (كانون فرهنگي آموزش
٩٨)

- ١- لَيْسَ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ إِلَّا حَمَامَةٌ تَرْفَعُ فِي السَّمَاءِ (اسلوب الإستثناء)
- ٢- لَا يُقِيمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ إِلَّا مَنْ يَعْرِفُ ثَوَابَهَا مَعْرِفَةً (اسلوب الإستثناء)
- ٣- لَا يَبْكِي أَحَدٌ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا الْمُؤْمِنُ الْمُتَّقِيُّ (اسلوب
الحرص)
- ٤- لَنْ يَفْهَمَ بَعْضُ التَّلَامِيذِ إِلَّا مَا يُشَاهِدُونَهُ فِي الْمُخْتَبِرِ (اسلوب
الحرص)